

# دوران نامزدي میان تاتنشین‌هاي دانسفهان

هاجر یوسفی‌رامندی<sup>۱</sup>

## چکیده

در دوره نامزدي اولین برخوردهای زوجین و خانواده‌هایشان شکل می‌گیرد و به همین دلیل از حساسیت خاصی برخوردار می‌باشد. زمان نامزدي زمینه پذیرش را برای طرفین ایجاد می‌کند؛ اگر این دوره با ظرافت و دقت خاصی سپری شود شاید مهر ضمانتی برای ادامه زندگی زوجین باشد. برای تأیید و تداوم این ضمانت خانواده‌ها و اقوام طرفین نقش مهمی دارند. نقشی که بیشتر در قالب برگزاری رسوم ایفا می‌شود رسم‌هایی چون خواستگاری، شیربها، گل فرستادن، مبارک باد گفتن و غیره.

**کلیدواژه‌ها:** تات، دانسفهان، دونسیون، نامزدي، آداب ازدواج

---

۱. هاجر یوسفی‌رامندی، متولد ۱۳۳۵ فرهنگیار فعال تات‌زبان دیار دانسفهان است. تنظیم این مقاله توسط علی آنی‌زاده anizadehali @ yahoo.com انجام گرفته است.

## مقدمه

دانسفهان که به زبان محلی «دونسبون» (donesbon) خوانده می‌شود محلی در رامند جنوبی استان قزوین است. این شهر از توابع شهرستان بوئین‌زهرا و حدود ۳۰ کیلومتری این شهرستان در کوهپایه‌های رامند واقع شده است. در این منطقه غیر از تاتی به فارسی و ترکی هم تکلم می‌شود. گفتنی است دانسفهان در بافت جدیدش قدمتی ۴۶ ساله دارد زیرا در زلزله سال ۱۳۴۱ به طور کامل تخریب و در فاصله اندکی با دامنه کوه رامند ساخته شد. شاید به جرأت بتوان گفت بسیاری از آداب و رسوم این منطقه بعد از زلزله دستخوش تغییر و دگرگونی شده است. آنچه در این نوشته با عنوان نامزدی در منطقه دانسفهان آورده میشود متعلق به پیش از زلزله سال ۱۳۴۱ است.

دوران نامزدی شاید شیرین‌ترین و به یادماندنی‌ترین مقطع زندگی یک زوج باشد. آنچنان شیرین که نسبت به دیگر مقاطع زندگی، هاله‌ای رویایی به خود می‌گیرد. اما این شیرینی نسبت به مقاطع پیش و پس خود حالتی میانه در افواه مردم این منطقه دارد: «هر پسری که ازدواج کرد، داماد دنیاست، نامزد کرد، سالار دنیاست و عروسی کرد، غمخوار دنیاست.»

نامزدی دوران پس از جاری شدن صیغه محرمیت و پیش از عقد رسمی و عروسی است. این دوران در مناطق تات‌نشین به ویژه در دانسفهان نسبت به مناطق دیگر طولانی‌تر است. در گذشته عقد رسمی معمولاً نزدیک به عروسی و حتی در مواردی بعد از عروسی جاری و ثبت می‌شد. به همین خاطر عروس و داماد حجب و حیای بیشتری نسبت به امروزی‌ها داشتند مثلاً عروس در دوره نامزدی‌اش پیش داماد همیشه چادر به سر می‌کرد و عروس و داماد از سر احترام نزد پدر و مادرشان با همدیگر حرف نمی‌زدند. برای ورود به مبحث نامزدی بهتر است پیشینه انتخاب همسر و سپس خواستگاری ذکر شود.

## انتخاب عروس

دانسفهانی‌ها درباره ازدواج مثلی دارند: «ای کولاوریه که همین کولا ایه» (i kulâvariya ke hamon kulâ iya) یعنی ازدواج کوله‌باری است که بر دوش همه است و همین کوله‌بار مسئولیت سنگینی است که امروزه از آن به عنوان انتخاب همسر یاد میشود. در گذشته در به زمین نهادن این بار، پدر و مادر نقش پررنگ‌تر و دختر و پسر نقش کمتری داشتند. اگر خانواده‌ای پدرسالار بود، وصلت بیشتر با فامیل پدری صورت می‌گرفت و اگر نقش و قدرت مادر در خانواده پررنگ‌تر بود ازدواج با فامیل مادری در اولویت بود. اما اگر ازدواج فامیلی ممکن نمی‌شد آن وقت مادر پسر به بهانه‌ای به خانه دختر می‌رفت و او را می‌دید و برمی‌گشت و با همه اعضای خانواده اوضاع را بازگو می‌کرد. اگر دختر مقبول واقع می‌شد بار دوم مادر پسر به صورت رسمی به خانه دختر می‌رفت و دختر را از مادرش خواستگاری می‌کرد البته مادر دختر هم جواب را به مدتی بعد موکول می‌کرد تا در این فرصت موضوع را با پدر خانواده، پدر بزرگ، عمو و دایی دختر در میان بگذارد.

## خواستگاری

اگر صلاح دختر در وصلت بود جواب بله را می‌دادند. طرف پسر بعد از بله گرفتن برای به حضور رسیدن به خانواده دختر اطلاع می‌دادند و شبی را جهت خرج بیروین (xarj birviyan) یا تعیین خرج، مقرر می‌کردند. برای شب خواستگاری، خانواده‌ها، فامیل دست اول خود را دعوت می‌کردند تا در مورد مهریه و شیربها و تاریخ و کم و کیف برگزاری عقد و عروسی صحبت کنند. مهم‌ترین بحث در این مجلس، صحبت برای مبلغ شیربها بود. در این منطقه پسر باید مبلغی را به عنوان شیربها تحویل پدر عروس می‌داد تا پدر عروس دو برابر یا بیشتر همان پول را جهیزیه تهیه می‌کرد.

## شب پول تحویل دادن (پول توایل دشو pul tavil dašo)

شب پول تحویل دادن کم از مراسم خواستگاری نبود. برای برگزاری این رسم یک

نفر از جوانان خانواده داماد برای خبر دادن به مدعوین تعیین می‌شد و بعد از ظهر همان شب چوبدستی کوچکی به دست می‌گرفت و به در خانه‌ها می‌کوبید و صدا می‌زد:

با یا فلون چسه می ملا دنیون شیرین چرا (چپق بچشا)

[bâyâ felon časa mi malâ doniyon širina čarâ (čopoq bečešâ)] یعنی (عمو

فلانی) بیائید خانه ما دهنی شیرین نمائید (یا چپقی بکشید)

از طرف خانم‌ها هم کسی برای دعوت گرفتن می‌رفت، از میان مدعوین برای پول

تحویل دادن، اقوامی که خیلی نزدیک بودند به شام هم دعوت می‌شدند. اتاق

مخصوص مهمان‌ها را بویژه اتاقی را که قرار بود مردها در آن به صحبت بنشینند، مرتب

می‌کردند و در آنجا چند زیر سیگاری، چند بشقاب توتون برای چاق کردن چپق و چند

نوع سیگار می‌گذاشتند. قندان‌ها را پر از قند می‌کردند، حیاط و جلوی در خانه را آب و

جارو می‌کردند. چند تن از افراد خانواده و نزدیک‌ترین اقوام به ترتیب سرپا می‌ایستادند

و به مهمان‌ها خوش‌آمد می‌گفتند و از آنان پذیرایی گرمی می‌کردند. بعد از صرف شام

در خانه داماد، جوان‌ها سماور خانه داماد را و بزرگ‌ترها پول مقرر را برمی‌داشتند و به

خانه عروس می‌رفتند و دم در خانه عروس می‌ایستادند تا اذن داخل شدن از بزرگ

خانواده عروس بگیرند. خانواده عروس هم با احترام آنها را به داخل خانه دعوت

می‌کردند و مهمان‌ها را در مکان مناسب جا می‌دادند. در قدیم وسیله ابتدایی پذیرایی

چای، سیگار و چپق بود اما امروزه بیسکویت، شکلات، شیرینی و میوه و چای جای

آنها را گرفته است. بعد از پذیرایی، یک نفر از خانواده داماد، بلند می‌شد و با احترام

می‌گفت بیاید پول را تحویل بگیرید آنها هم با احترام و تعارف بسیار یکی از

ریش‌سفیدان را جهت تحویل گرفتن پول معرفی می‌کردند.

همزمان با تحویل گرفتن پول در اتاق آقایان، رسم دیگری در اتاق خانم‌ها با کیفیتی

دیگر انجام می‌گرفت. به این صورت که معمولاً خانواده عروس از خانواده داماد چند

کله قند درخواست می‌کرد، شماره کله قندها به اندازه فامیل‌های دست اول عروس بود.

پس برای اجابت این درخواست خانواده داماد خنچه می‌بستند؛ به این ترتیب که در هر

مجموعه دو کله قند می‌گذاشتند و اطراف آن را با مقداری بادام تزئین می‌کردند و روی

آن را روسری قرمز می‌کشیدند. حمل خنچه معمولاً توسط خواهر داماد، زن برادر داماد

و دخترها و نوeros های اقوام نزدیک داماد انجام می‌گرفت. تعداد خنچه، فرد و معمولاً ۵ یا ۷ یا ۹ عدد بود. در حین کشیدن خنچه به خانه عروس یکی از دخترها دایره (طلقى، بدون حلقه و به وسیله دو ترکه رویش زده می‌شود) می‌زد و همگی شادمان به خانه عروس می‌رفتند. همگی دم در می‌ایستادند تا اول مادر داماد با احترام وارد می‌شد و تا وقتی که اقوام داماد جای مناسب نمی‌نشستند خانواده عروس که میزبان بودند سرپا می‌ایستادند. بعد از احوال‌پرسی گرم و صمیمانه از جانب بزرگان خانواده عروس، یکی از نزدیکان برای مهمانان اسپند می‌آورد و با جای و نقل پذیرایی می‌کردند و همزمان با تحویل گرفتن پول در اتاق مردها، خانم‌ها و بخصوص دخترهای جوان هر دو فامیل به پایکوبی می‌پرداختند.

بعد از تحویل پول و پایان مراسم و هنگام خداحافظی همه فامیل داماد به دیدن عروس می‌رفتند. عروس با چادر سفید سر و روی خود را می‌گرفت و یک گلاب‌پاش به دست می‌گرفت و ضمن سلام و احوال‌پرسی گلاب به دست مهمان‌ها می‌ریخت و در نهایت دست مادر داماد را به نشانه احترام می‌بوسید. مادر داماد هم انگشتر یا هدیه‌ای در خور به عروس می‌داد و پس از بدرقه خانواده داماد، مادر عروس کله‌قندهایی را که خانواده داماد با خنچه برایشان آورده بودند بین اقوام عروس تقسیم می‌کرد. البته کسانی که کله‌قند نصیبشان می‌شد می‌بایست برای شب مبارک باد جهت احترام اقلامی را تهیه می‌کردند که به آن مبارک با (mobârak bâ) می‌گفتند.

### شب مبارک باد (مبارک با شوئه mobârak bâ šoa)

پس از رفتن خانواده داماد به خانه عروس، نوبت به خانواده عروس می‌رسید تا جهت احترام و گفتن مبارک باد به خانه داماد بروند. مبارک باد اقلامی بود که توسط مدعوین (خانواده عروس) برای خانواده داماد برده می‌شد که عبارت بود از یک بشقاب کشمکش، کمی نخودچی، نقل، گردو، بادام، قند کلوخ و انار. البته بعد از سال ۱۳۵۰ یک کله‌قند یک کیلو و نیمی که رنگ آن تیره بود و با آن شهد مربا درست می‌کردند به اقلام مبارک باد اضافه شد.

بعد از تهیه مواد مبارک باد آنها را داخل یک روسری قرمز می‌پیچیدند بعد مثل

شب «پول توپل دشو»، مدعوین ابتدا در خانه عروس جمع می‌شدند و با اqlام مبارک باد خنچه درست می‌کردند و توسط دخترها و نوعروس‌ها که آنها را به سر می‌گرفتند، راهی خانه داماد می‌شدند. بدیهی است که همسران خانم‌هایی که مبارک باد می‌بردند، خانواده عروس را همراهی می‌کردند. پیش از حرکت یک نفر از خانواده عروس جهت خبر دادن به خانواده داماد گسیل می‌شد آن وقت خانواده داماد با احترام، اقوام عروس را پذیرایی می‌کردند؛ کفش‌هایشان را دم در جفت می‌کردند.



عکاس: اسماعیل یوسفی رامندی، دانشفهان قزوین

در شب مبارک باد، عروس هم به خانه داماد می‌رفت اما چیزی نمی‌خورد و به مادر داماد اطلاع می‌دادند که عروس «دندنه چرایه» (dondona čerâya) یا زیر لفظی می‌خواهد که از طرف مادر داماد به عروس داده می‌شد. در این شب خانم‌ها در یک اتاق و آقایان در اتاق دیگر به شادمانی می‌پرداختند. خانواده داماد در حین شادمانی چند مجموعه تهیه می‌کردند و درون آن تخمه، کشمش، نخودچی، خرما، خشک، نقل ریز و گاهی مغز گردو، بادام و بادام زمینی (از هر کدام یک پیشدستی) قرار می‌دادند و با آن از خانواده عروس پذیرایی می‌کردند.

مادر داماد در هنگام پایکوبی برای عروس پول یا پارچه‌ای را به عنوان شاباش می‌داد بعد داماد را به اتاق خانم‌ها صدا می‌کردند تا بیاید و به نوعروس شاباش بدهد. بعد از شب مبارک باد، خانواده عروس خانواده داماد را برای صرف چای بعد از ظهر

دعوت می‌کرد. این وقت فرصتی بود برای بزن و بکوب و شاباش کردن نوعروس‌هایی که هنوز نامزد بودند. در این روز خانواده داماد ظرف مبارک بادهایی را که شب پیش جمع شده بود، فراهم می‌آورد سپس چند کیلو نخود به آن اضافه می‌کرد و به خانه عروس می‌فرستاد. مادر عروس هم نخود فراهم آمده را بین کسانی که برای شب مبارک باد آمده بودند تقسیم می‌کرد. بعد از مدتی دوباره خانواده داماد، خانواده عروس و نیز کسانی را که مبارک باد آورده بودند را برای شام دعوت می‌کرد.

### دستمال بسته بردن (دستمال بسته بردن (dasmâl basa bebardan)

بعد از مدتی خانواده داماد برای بردن «دستمال بسته» به خانواده عروس اطلاع می‌داد. آن وقت خانواده عروس شام تدارک می‌دید و خانواده داماد و مردان فامیل داماد را دعوت می‌کرد. خانواده داماد برای دستمال بسته بردن از پسرهای نوجوان فامیل دعوت می‌کرد. نوجوانان مدعو، هر یک هدیه‌ای را از مادران خود می‌گرفتند و به خانه داماد می‌بردند. این هدیه هم چیزی بیشتر از قواره چادری یا پارچه پیراهنی نبود. اما دستمال بسته عبارت بود از پارچه پیراهنی، چادر، شلوار، جوراب، وسایل دوخت و دوز، وسایل شست‌وشو، یک کله‌قند و مقداری شیرینی که همگی در یک بقچه (دستمال) بسته می‌شد و توسط خانواده داماد و تعدادی دیگر از مدعوین به خانه عروس برده می‌شد. داماد هم در خانه عروس چیزی نمی‌خورد مگر اینکه زیر لفظی می‌گرفت.

### روز لباس بردن (امراز ببرد روج (amrâz bebarda ruj)

یکی دیگر از رسم‌های دوران نامزدی «روز لباس بردن» است. این رسم مدتی بعد از دستمال بردن انجام می‌گرفت. برای لباس بردن، فامیل‌های داماد در خانه داماد جمع می‌شدند و از لباس‌هایی که برای عروس تهیه شده بود خنچه درست می‌کردند و به خانه عروس می‌بردند. پس از صرف چای و شیرینی در پایان مجلس، لباس‌های خریداری شده برای عروس به همه نشان داده می‌شد و با دادن هدیه به عروس که

معمولاً شامل پیراهن، چادر، کله قند و شیرینی بود، مراسم لباس بردن پایان می گرفت. طبیعی است که این رسم بعد از خرید لباس صورت می گرفت. در این خرید، خواهر یا زن برادرهای طرفین، عروس و داماد را همراهی می کردند.

### گل بردن (وله ببردن (vela bebardan)

یکی از رسوم فصلی که عطر و طراوت خاصی به دوران نامزدی می بخشد «وله ببردن» یعنی گل بردن بود. به این گونه که وقتی فصل گل محمدی می شد، عروس باید گل تهیه می کرد و برای مادر داماد می برد. بعد از گرفتن گل، مادر داماد به سلیقه خود به عروس سفارش می کرد که برای چند نفر گل ببرد. در این گل بردن خواهر یا یکی از اقوام نزدیک داماد، عروس را همراهی می کرد. البته گل بردن، برای اقوام برای ایجاد محبت و فامیلی بیشتر بود و گاه بعضی از اقوام بیشتر برای گرفتن گل از دست عروس به مادر داماد سفارش می کردند.

بعد از مدتی متقابلاً خانواده داماد برای بردن گل برای عروس به خانواده عروس اطلاع می داد. برای تدارک گل بردن اقوام داماد که از دست عروس گل گرفته بودند هدیه ای را برای عروس تهیه می کردند و هدیه کوچکی هم نصیب خانمی می شد که عروس را در گل بردن همراهی کرده بود. هدایا معمولاً قواره پیراهن یا پارچه چلواری بود که از آن عرق چین یا سفره قند درست می شد. البته جدیدترها از این هدیه جانماز درست می کنند. معمولاً گل بردن از طرف خانواده داماد با کیفیت و شور بیشتری انجام می شد. به این ترتیب که اقوام نزدیک در خانه داماد جمع می شدند و هدایای خود را در مجمعی می گذاشتند، روسری قرمزی روی آن می کشیدند و آن را به شکل خنچه دسته جمعی به خانه عروس می بردند.

### نامزدی و اعیاد ملی

اعیاد ادواری، موسمی، ملی و مذهبی فرصت بسیار مناسبی برای ایجاد رابطه بهتر و سالم تر میان دو خانواده است. در میان اعیاد ملی، نوروز و در میان اعیاد مذهبی عید قربان جلوه گاه رسوم دوره نامزدی در منطقه تات نشین دانسفهان است.



### خروس بردن (خروز ببردن (xuruz bebardan

عکاس: اسماعیل یوسفی رامندی، دانسفهان قزوین



یکی از رسم‌های دیرین که در اولین شب عید نوروز دوران نامزدی برگزار می‌شد بردن خروس بود. در این شب، خانواده داماد فامیل دست اول خود را دعوت می‌کرد تا برای پختن برنج حضور یابند. سپس اقوام جمع شده دیگ را روی اجاق می‌گذاشتند و به کمک هم برنج

می‌پختند سپس یک خروس را سر می‌بریدند و خوب آن را پاک کرده شکمش را با لپه پر می‌کردند و درسته می‌پختند. وقتی برنج دم می‌کشید خروس را درون مجمعه می‌گذاشتند و به همراه یک کاسه خورش قیمه و مقداری حنا دو خنچه درست می‌کردند. خواهران و زن برادرهای داماد خنچه را بر سر می‌گرفتند و به سمت خانه عروس روان می‌شدند. خانواده عروس با احترام تمام خنچه‌ها را از سر آنها می‌گرفتند و برای آنان هدیه‌ای می‌دادند. مادر عروس و مادر داماد برای تبرک از همان برنج به اقوام و مدعوین می‌دادند.

البته این کیفیت تنها مخصوص اولین سال نامزدی بود و اگر دوره نامزدی بیش از یک سال طول می‌کشید به جای خروس، چند تخم‌مرغ نیمرو می‌کردند و برای عروس می‌بردند.

وقتی شب عید با خوشی به سر می‌رسید عروس در همان شب دستش را حنا می‌گذاشت و صبح زود لباس نو می‌پوشید، گلاب‌پاش را پر از گلاب می‌کرد و به خانه داماد می‌رفت؛ اول به دست پدر داماد بعد مادر و همین‌طور به ترتیب دیگر اعضای خانواده گلاب می‌ریخت و عید مبارک می‌گفت و به سلیقه مادر داماد یکی از اعضای خانواده، همراه نو عروس می‌شد تا عروس به خانه اقوام داماد برود و عید مبارک بگوید. چند روز بعد مادر داماد با فامیل‌هایی که عروس به خانه آنها گلاب برده بود همراه می‌شد و هدایایی را خنچه می‌کردند و به خانه عروس می‌بردند. مادر عروس هم

در و همسایه را جهت با شکوه‌تر کردن مجلس عیدی آوردن به خانه دعوت می‌کرد. وقتی خانواده داماد خنچه به سر وارد خانه عروس می‌شد، اقوام عروس می‌بایست به احترام می‌ایستادند تا اقوام داماد جای مناسب بنشینند. پس از پذیرایی آخر مجلس هدایا نشان داده می‌شد و معمولاً هدیه مادر داماد نسبت به بقیه هدایا از جلوه بهتری برخوردار بود.

### نامزدی و اعیاد مذهبی

همان‌طور که پیشتر آمد، عید قربان از میان اعیاد مذهبی بستر مناسب‌تری برای ادای احترام خانواده‌ها بود. خانواده داماد دو سه روز به عید قربان مانده، فامیل‌های خود را دعوت می‌کرد و می‌گفت بیاید «شیرینه پنجه چش دبندیم» (širina panjačaš debandim) یعنی بیاید تا نان قندی بپزیم. برای درست کردن «پنجه‌چش» یا همان نان قندی با آرد و قند و کمی شیر و روغن و آب ولرم، ادویه، گشنیز و زیره و قلنجان خمیر درست می‌کردند، خمیر را چونه کرده، تخم‌مرغ و شیر را به هم می‌زدند و روی چونه‌ها می‌مالیدند و شب عید قربان همراه برنج برای خانواده عروس می‌بردند. داماد هم روز عید قربان به خانه عروس می‌رفت و عید مبارک می‌گفت و ادای احترام می‌کرد و از پدر و مادر همسرش عیدی می‌گرفت که بیشتر نقدی بود. البته لازم به یادآوری است همه این رسوم در صورتی انجام می‌گرفت که از اقوام طرفین کسی فوت نکرده باشد و گرنه یا مراسمی گرفته نمی‌شد یا با تأخیر انجام می‌گرفت.

### نامزدی و سوگواری‌های مذهبی

در سوگواری‌های مذهبی رابطه خانواده‌ها نه تنها قطع نمی‌شد بلکه برای بهتر برگزار شدن مراسم دور هم جمع می‌شدند مثلاً در روز تاسوعا خانواده داماد مقداری گوشت برای خانواده عروس می‌برد و خانواده عروس هم از همان گوشت حلیم بار می‌گذاشت و در شب عاشورا خانواده داماد را دعوت می‌کرد. این رسم در ۲۱ ماه رمضان و ۲۸ ماه صفر برگزار می‌شد.

## وظایف عروس و داماد در دوران نامزدی

در دوران نامزدی عروس و داماد نسبت به خانواده طرف مقابل وظایفی داشتند مثلاً خانواده داماد در کارهایی مثل «نن دبستن» (non debastan) یا نان پختن، «شیره دبستن» (šira debastan) یا شیره گرفتن، «انگور بیچین» (angora bičiyan) یا انگور چیدن، «یوز باشین» (yuza bāšin) یا گردو انداختن عروس را جهت همراهی و کمک کردن خبر می‌کردند. حتی وقتی می‌خواستند به مهمانی بروند برای احترام عروس را هم دعوت می‌کردند.



عکاس: اسماعیل یوسفی رامندی، دانشفهان قزوین

عروس در این دوره وظیفه خطیری به عهده داشت مثلاً اگر در حمام، مادر یا فامیل نزدیک داماد را می‌دید باید به سراغشان می‌رفت و طاس و لگن را برایشان پر آب می‌کرد و برای آنها می‌ریخت. در مقابل داماد هم وظایفی داشت. داماد در مواقعی وظیفه خود می‌دانست که کمک حال خانواده همسرش باشد مثلاً اگر برف می‌بارید، داماد بدون تعارف و دعوت، پشت‌بام خانه عروس را پارو می‌کرد و ناهار یا شام را خانه عروس مهمان می‌شد. مادر عروس نیز جهت سپاسگزاری از داماد خود، «کله‌جوش» (kala juš) و حلوا درست می‌کرد. «بره زین» (bara zin) یا هنگام بیل زدن باغ، گندم چیلان، خرمن‌کوبی و «دونه دجرتن» (duna dejertan) یا کاه گل کردن بام

فرصت‌های مناسبی بود تا هم خودی نشان بدهد و هم به این بهانه ساعاتی را در کنار محبوب خود باشد. البته در این میان اگر مناسبت خاصی در کار نبود تعارفی بردن جگر، انگور، شیر، ماست، شیر، میوه فصل برای عروس معمول و از وظایف داماد بود. خلاصه در این دوران وظیفه اصلی طرفین ادای احترام به یکدیگر و خویشان هم بود. مثلاً اگر مراسمی یا مهمانی بود که هر دو فامیل حضور داشتند، عروس باید جای خود را به مادر یا فامیل نامزد خود می‌داد و این بستگی داشت که مراسم از طرف کدام یک برگزار می‌شد؛ اگر مهمانی از طرف خانواده داماد بود اقوام داماد باید عروس را بسیار احترام می‌کردند اما اگر فامیل‌های عروس میزبان بودند مادر داماد و فامیل داماد در رأس مجلس می‌نشستند.

### جمع بندی

در بسیاری از شهرها و مناطق کشورمان یا فاصله بین عقد و عروسی وجود ندارد یا اگر هست، بسیار کوتاه است اما در دانشفهان، فاصله عقد و عروسی حداقل یک سال است و در مواردی بنا به دلایلی، از جمله فوت یکی از اقوام طرفین به چند سال هم کشیده می‌شود. به همین دلیل، دوران نامزدی در این منطقه طولانی، گونه‌گون و خاص طی می‌شود.

زمان نامزدی دوره آزمایشی مناسبی است تا عروس و داماد به لحاظ فکری و اخلاقی آمادگی لازم را برای تشکیل یک زندگی پردوام پیدا کنند. آنچه این دوران را شیرین و به یاد ماندنی می‌نماید رسم‌های متنوعی است که مطمئناً بنابر شرایط و مقتضیات زمانی خاص خود به وجود آمده‌اند و با از بین رفتن نیاز به آن، بسیاری از آن رسوم یا کمرنگ شده‌اند یا رسوم دیگری جایگزین آنها شده است.

- در ذیل به موارد و نکات نهفته در مراسم نامزدی این منطقه اشاره می‌شود:
- ۱ - دوران بلند و طولانی نامزدی زمینه پیدایش رسوم متنوع شده است اما آنچه مهم است تنوع و در عین حال دوری از تجمل است چنانچه پیش از این، بسیاری از این رسوم با صرف چای بعدازظهر، دسته‌ای گل، شیشه‌ای گلاب سر می‌گرفته‌اند.
  - ۲ - یکی دیگر از نکات بسیار ارزشمند در این رسوم توازن برگزاری رسوم از سوی

دو خانواده است و همین توازن باعث می‌شد که هیچ یک از خانواده‌ها برتری خود را به دیگری تحمیل نکنند. به عنوان مثال اگر عروس برای مادر شوهر و خانواده همسرش گل می‌برد چندی بعدی مادر شوهر این احترام نوعروس را ارج می‌گذاشت و برای او گل می‌برد.

۳ - آنچه به این رسوم متنوع و در عین حال ساده، رونق و شکوه بیشتری می‌بخشد حضور و مشارکت اقوام طرفین در جای‌جای مراسم این دوره است که نه تنها به عنوان حامیان اقوام خود که از سر دل و خودخواسته جهت ایجاد زمینه دوستی و به قول دانسفهانی‌ها برای «فامیلیتی» در مراسم حضور پیدا می‌کنند و عروس یا داماد تازه وارد به فامیل را از خود می‌دانند و اینگونه با مشارکت خود، حمایت خویش را از ایشان اعلام می‌کنند. هر چند با آوردن کله‌قند یا تحفه‌ای برای آذین و تکمیل یک خنچه باشد.

۴ - احترام متقابل خانواده‌ها و اقوام از نکات بسیار چشمگیر و اصولی است که ضامن بقای این دوران است. در این دوره عروس و داماد مهمان به حساب می‌آیند و اگر خدمتی هم از عروس و داماد برای خانواده مقابل انجام می‌گیرد جنبه فرمایشی ندارد بلکه به گونه‌ای ظریف در قالب دعوت و احترام انجام می‌پذیرد. این احترام از جانب عروس و داماد که شاخص‌های رفتاری طرفین هستند بیشتر و حساس‌تر است آنگونه که در گذشته آمد، هر چند عروس و داماد صیغه و محرم همدیگر بوده‌اند اما حجب و حیا در قالب هجران، کام وصال را برای آنها شیرین‌تر می‌کرد.

۵ - امروزه بسیاری از این رسوم یا فراموش شده‌اند یا تغییر ماهیت داده‌اند. در یک کلام باید گفت تعداد رسوم کم‌تر و جلا و تجمل آنها بیشتر شده است و باید گفت اگر قرار بود همه آن رسوم به تجمل و نگاه امروزی برگزار می‌شد، مطمئناً هیچ دوره نامزدی پر دوام نمی‌ماند.